

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Afghanistan Mirror

آئینه افغانستان

۱۰/۱۱/۱۲

عکس العمل ها

بقلم دکتور سیدخلیل الله هاشمیان

همکاری من با پورتال ملی افغانستان آزاد - آزاد افغانستان، باساس شناخت گردانندگان و پیمان گذاران آن، دانشمندان مبارزی از قبیل دیلوم انجنیرخلیل الله صروفی، داکتر میرصیدالرحیم مزیز، موسوی و امثالهم آغاز یافته، و باساس حرمتی که بمبارزه، ملی و قضاوت آفاقی آفبادهایم. این همکاری دوام خواهد کرد.

اما همکاری صادقانه متضمن سهیم شدن در محتوی این پورتال ملی از طریق خواندن نشوات آن و ابراز نظر و حتی نقد آفاقی و بهیچرمانه بالای بعضی مقالات منتشره میباشد. من با سابقه ۲۷ سال کارآکادمیک و ۲۳ سال مصروفیت ژورنالیستی، با حدود ابراز نظر و معنی نقد ادبی تا اندازه ای آشنایی دارم، و به اجازه، گردانندگان این پورتال ملی، اینک این مامول را تحت عنوان (عکس العمل ها) شروع میکنم، و البته توقع و تقاضا مینمایم تا هموطنان محترم بخش عکس العمل را با خواندن و نظریات خود را در این پورتال منتشر سازند.

اول (مقاله مورخ ۱۱-۱۰-۲۰۱۰ بقلم آقای سید هاشم سدید

تحت عنوان (از بیگانه چه توقع وجه شکایت))

از خواندن این مقاله حظ بردم. تحلیل بسیار عالی و منطقی از انتقادهای بیجا و بی مورد بعضی هموطنان ما بالای رجال کشورهای بیگانه، و از آنجمله رجال پاکستان، مانند حمید گل، داکتر یار، نواز شریف، بوتو و غیره. نواز شریف و حمید گل زعمای هفت تنظیم افغانی مقیم پشاور را مانند غلام بچه های خود استخدام و استعمال میکرده و با این سیاست خدمت بزرگی برای صلاح و بقای پاکستان انجام دادند، بیانیه معروف نواز شریف را همه بیاد داریم که با ضرورت و اقتضای امر خود چیزهایی ازین قبیل گفت: "مقدار عظیم اسلحه و مهمات حربی که در دسترس تنظیم ما قرار داشت و هم اردوی افغانستان را تابه کردم، دیگر از من چه میخواهید...؟"

درین اواخر حمید گل پاکستانی که در تضعیف اردو مقاومت افغانی و هم در تزئین مذاق و دشمنی بین افغانها و اول عمده - بخاطر منافع پاکستان - بازی کرده است، در یک مصاحبه با بی بی سی گفت که "حامد کوزی یک زعیم دست نشانده است...". و این بیان یک واقعیت است که ما افغانها نیز میدانیم و میگوئیم، پس چرا حمید گل را بخاطر بیانات و تعییناتش خاین بخوانیم؟ تصویری که در نزد یکعده هموطنان ما وجود دارد که اگر خلائها و نواقص یک زعیم افغان را یک بیگانه بر ملا بسازد، باید از آن دفاع شود - یک تصور عندی و غیر علمی میباشد.

آقای سدید درست میفرمایند که پاکستان متقاعدین خود را به حرمت و باتامینات کافی اقتصادی خانه نشین میسازد و در موارد ضرورت با از آنها کار میگیرد. اما تقاعد برای یک مامور در افغانستان حکم مذلت و "بیگانه شدن" را دارد. حکومت دست نشانده، کابل دم از دموکراسی و آزادی بیان میزند، اما به نظرات مفید و خیر خواهانه، افغانی که در نشرات کابل و یاد نشرات بیرون مرزی منعکس میشوند، این حکومت وقتی قایل نشده و تمیضود، آید رمدت نه ماهیکه پورتال ملی (افغانستان آزاد - آزاد افغانستان) به نشرات پرداخته، وزارت باصلاح (فرهنگ و مطبوعات) کابل یکبار با این پورتال - از باب انتقاد یا تکیه - تماس گرفته است؟

طرز آفاده، آقای سدید که میگوید:

"ما از یک بیگانه، بیگانه ای که در فکر کشور خود و منافع کشور مردم خود بوده است، چه توقع داریم؟ میخواهیم بگوئیم که او بجای خدمت بخاک خود و تامين منافع کشور پاکستان و قرار گرفتن در کنار مردم خود، در کنار ما ایستاده میشود و به افغانان می اندیشد و در فکر افغانان و منافع افغانستان میشود؟ همه مانند سیاستمداران ما هستند؛ شما چهارتا دزد و وطن فروش و خاین بخاک و مردم راد کشور خود می بینید، فکر میکنید که همه، دنیا مانند اینها هستند؟"

بسیار واقع بینانه، و وطن پرستانه و آموزنده است.

آقایان اوپاما جنرال پینتوس، سفیر امریکا در کابل و خانم هیلیری کلنتن همه برای منافع امریکا کار میکنند و چند نفر احمق را با اعطای پول تضمین کرده، اهداف و منافع خود را توسط آنها تامین میسازند. سفیر امریکا هر روز با طیاره، خود بدون اطلاع و اجازه، حکومت کابل به روایتی که خودش خواسته باشد می رود و با مردم می بیند. تا سال ۱۹۷۸ که حکومت نهم بنده ملی در افغانستان روی کار بود، هیچکس

سفیریک کشور بدون اجازه، حکومت افغانستان از کابل شور خورده نمیتوانست. باراول دردوره کمونستهای وطنفروش سفیرشوروی هرچه دلش میخواست میکرد.

درختم اینمقال چندبیت ازیک غزل استاد نسیم (اسیر) راکه درپورتال نشرشده، تکرار میکنم:

هیرکه تیغ دشمنی بروی افغان می کشند ===== دشمن جان خوداست ودست ازجان می کشند
گرچه دادیم امتحان رادمردی درجهان ===== دشمنانی برسرماتیبخ بران میکشند
گه زسوی شرق ناپاکی قدم پیش آورد ===== گه زسوی غرب، ایران حکم قران می کشند

(م) هدف آقای کرزی از سخنرانی در قصر سلامخانه رد مدعیات کتاب (Woodward - بعنوان Obama's Wars - جنگهای اوپاما) بود

آقای حامد کرزی در ماه اکتوبر ۲۰۱۰ سه بار سخنرانی داشتند. سخنرانی اخیرشان در قصر سلامخانه عکس العمل قوری ومستقیم شان بود بکتاب اخیر آقای (Woodward بعنوان Obama's Wars)، زیرا در آن کتاب راجع بدومطلب ذیل مطالبی درج شده است:

۱) اینکه آقای حامد کرزی بمرض دقت گرفتار بوده و saddest میباشد؛
۲) اینکه زایداز ۶۰ فیصد مردم افغانستان - نسبت نداشتن کارومعاش وکالواخانه وزندگی زنجیاره زیر آسمان یادرخیمه های فرسوده، ونداشتن توان اقتصادی برای تامین نفقه، اولاد وخانواده - بمرضی روانی گرفتارند. این یک تحلیل کاملاً علمی است، که اگر مردم در امریکا و اروپا هم باین شرایط زندگی داشته باشند، به تشوشات روانی دچار میگرددند.

اما آقای کرزی برای اینکه ثابت بسازد که خودش بمرض دقت دچار نیست، برای سخنرانی زاید از یک ساعت در قصر سلامخانه ترتیبات گرفت که بزعم اوصحت کامل او را وانمود بجازد، اما باساس معیارهای روانشناسی، شیوه، گفتار و ژستهای او نموداریک نوع اختلال فکری میباشد.

آقای کرزی در یک جای صحبت خود بالای ادعای کتاب (وودوارد) مکت کرد و گفت "خبردارید که در یک جایی نوشته اند که ۶۰ فیصد مردم افغانستان بمرضی روانی دچارند... " و اضافه کرد "این ادعا خوش حتی است، خوش حتی است... " همین وبس.

من سخنرانی او را دوبار شنیدم. باراول عیناً در قصر سلامخانه، که عکس العمل مرا بالای چهارکنه، دیگر بیانات او در ورق ذیل میخوانید. بار دوم شب بعد در خبرهای تلویزیون دولتی که قسمتهای مزخرف بیانات او را حذف (ایدت) کرده بودند. باعرض احترام سیدخلیل الله هاشمیان.

عکس العمل بالای چند نکته از بیانات اخیر آقای حامد کرزی

در بیانیه، برطصطراق یکساعته، حامد کرزی که بتاریخ ۲۰ اکتوبر در قصر سلامخانه، ازگ ایراد کرد، بسیاریکات جالب وقابل تبصره وجود داشت که من فقط بچهار نکته تماس میکنم وانتظار دارم دانشمندان افغان نکات دیگر آنرا حلای کنند:

یک) در جائیکه در مورد شادابی وسرسیزی دهات انگلستان صحبت میکرد، گفت: "وقتی من دهات سرسبز، شاداب ومقبول انگلستان را دیدم، دلم میخواست همینجا یک خانه بخرم و در آن زندگی کنم... "

دو) درجائیکه پیرامون رویکار آمدن صلح و آشتی سخن میراند، گفت: "انشاءالله صلح در مدت یکی دو سال آینده رویکار خواهد آمد..." در حالیکه از زبان اعضای شورای صلح میشنویم که صلح و آشتی تا دوسه ماه آینده نامین خواهد شد. یعنی حامد کرزی دوام سه سال آینده، حکومت خود را با دوام جنگ پیشبینی میکند و طرفدار صلح فوری تمیباشد. از جانب دیگر مقاومت مسلح از تقاضاهای خود که - ترک قوای خارجی، رویکار آمدن یک حکومت جدید و ترمیم قانون اساسی - میباشد. صرف نظر کرده است! احمد ولی کرزی در فندهار یک لشکر سه هزار نفری دارد که قرار مجموع یا همین لشکر بنام (طالبان) صلح و آشتی صورت میگیرد و آنگاه همه شرایط حکومت حامد کرزی را قبول میکنند...

سه) در یک جای بیاتیه، خود آقای حامد کرزی توقف کرد و رو به حاضرین نموده بفارسی و پشتو پرسید: "آیا سوال ملاحظه میدید، آیا سوال ملاحظه میدید، آیا آنرا قبول دارید؟" از دهان حدود پنجاه نفر صدای لبیک تیر آمد. اما یک نفر موسی قد پیشون به ابا ایستاد و دست خود را با علامت منفی شورداد. کرزی از او پرسید: "کاکاد کوم ولایت یی؟" آن مرد جواب نداد و بچوکی خود نشست. در صف خانمها یکی متوجه وضع شده دست خود را به مقصد تائید از سوال کرزی بالا کرد و چیزهایی هم گفت که من نشنیدم، اما کرزی شنید و در حالیکه بیانیهایش ختم شده و حاضرین به ابا برخاسته بودند، کرزی دوباره بصیرت گشت و با چهره بشاش و تبسم کنان گفت: "بشینین، بگد قیقہ یشینین، می بینین همشیره چی گفت، خواهرها همیشه نسبت به برادرها مهربان میباشند، بسیار تشکر..." و دوباره مجلس را ختم کرد. یعنی فقط یک نفر خانم که شاید خانم یکی از وزیران کرزی بوده باشد. بعد از آنکه یک موسی قد پیشون جواب منفی داده بود. سوال و بیانات کرزی را تائید کرد. و واقعتاً این رویداد را کلمات اخیر حامد کرزی تائید میکند که بتکرار میگفت: "خانمها نسبت به برادرها بسیار مهربانتر میباشند..."

چار) این نکته جای بسیار تاسف است که رئیس جمهوری یک کشور بتاریخ معاصر کشور خود آشنا نمیباشد. آقای کرزی از یک تصویر تاریخی یاد کرد که آنرا العحضرت امیر شیرعلیخان بارتیاط مشکلات زمان سلطنت خود ترتیب کرده بود بنحویکه شخص امیر ایستاده و هر دو دست خود را نیز زنج دور داده، چشمان امیر بشیوه، حیرت و تعجب در یک طرف خرس قطبی و بطرف دیگر خود شیرخان را ایستاده میبیند. این تصویر در همان وقت بیانگر علاقمندی و پیشروی دو ابرقدرت روس و انگلیس بطرف افغانستان بود. آقای کرزی میخواست موقف فعلی خود را با آن تصویر تمثیل کند و مثل تصویر امیر شیرعلیخان اکت کرده دستیار از بیغل قات نمود، اما بزبان خود گفت که "تصویر امیر عبدالرحمن خان رادیده بودید که بیک طرفش خرس و بطرف دیگرش شیر ایستاده بود..." علاوه برین آشنیاه، تمثیل اوتیز تادریست بود، زیرا امیر شیرعلیخان با انگلیس میجنگید، اما آقای کرزی آمریکا و ناتو را برای کشتار قوم خود دعوت کرده است.

BETWEEN TWO GIANTS

*Political History
Of Afghanistan In The
Nineteen Century*

SAYED QASSEM RESHTIA



Afghan Jihad Works
Translation Centre

درین تصویر اعلیٰ حضرت امیر شیر علی خان رامی بیند که درین دو جانور
خرس قطبی (روسیه) و شیر (انگلیس) ایستاده اند

سوم) آرزوی استفاده از نشرات پورتال

در نقد گونه‌ای بقلم دانشمند دیپلوم انجینیر خلیل الله معروفی از موجودیت دواثر آقای حنان روستایی‌خبرشدم، یکی (جنگ ابرقدرت‌ها و پروژه، پایپ لاین افغانستان)، دیگری (شاه شجاع درانی و حامد کرزی در آئینه تاریخ)، انجینیر معروفی نوشته‌اند که اثر اول در پورتال نشر شده، اما من آنرا نیافتم. خواهشمندم لطفاً تاریخهای نشر آنرا تذکر بدهند. رساله دوم را از آقای عزیز عارف از فرانسه تقاضا می‌کنم. با عرض تشکر و امتنان از انجینیر صاحب معرفی که چنین آثار مفید را نقد و معرفی کرده‌اند. با احترام داکتر هاشمیان .

چهارم) گله‌دوستانه از گردانندگان محترم پورتال (افغانستان آزاد-آزاد افغانستان)

ما همه به آزادی بیان ایمان و تعهد داریم. اما برای آزادی بیان باید حدودی قایل باشیم. مثلاً نمی‌توانیم بالای شخصیات و طرز لباس، خوراک و زندگی یک هموطن خود انتقاد کنیم. نمی‌توانیم بالای روش یا اعتقادات مذهبی او انتقاد کنیم. وهم نمی‌توانیم بالای حق آزادی بیان او انتقاد کنیم. بشرطیکه از چنین نوع آزادی بیان خود ما و ملت ما خسارات جبران ناپذیر و نهایه ندیده باشیم. طرف صحبت من کمونستهای افغان است. چه خلقی و چه پرچمی. که وطن و ناموس افغان را به ایدیا لوجوی کمونزم و به روس منحوس فروختند. یکنیم میلیون شهید دادیم. نیم میلیون معلول و بیوه و یش میلیون مهاجر داریم. همه مصیبت‌ها و بدبختیهای ملت افغان تا امروز معلول و مولود کودتای کمونستی و اشغال افغانستان توسط لشکر سرخ میباشد. تاسیس همین پورتال ملی (افغانستان آزاد...) و موجودیت دانشمندان افغان در مهاجرت که این پورتال را میچرخانند. معلول کودتای کمونست‌ها میباشد. از جانب دیگر کمونزم و دولت شوراهار مردم روسیه تقبیح و محکوم کردند و دولت فعلی روسیه با اقتصاد کاپیتالیستی گرانیده است. این تغییر عمدتاً با غلطی صورت گرفت که وعده‌های کمونست‌ها برای مردم خودش و جهان (کار-کور-کالی) صادق نبرآمد؛ حتی در افغانستان دیدیم که (کار-کور-کالی) از مردم گرفته شد و با اعضای حزب داده شد. کسانی که سرمایه‌شناسند، میدانند که از کاپیتالیستی و رژیمهای سرمایه‌داری چندان خوش نمی‌آید و نه این روش را برای زندگی خود و مردم و وطن می‌پسندم. اما با اساس تجربه‌ایکه از کمونستی و کمونست‌ها در وطن خود دیدیم از کمونزم نفرت دارم و آنرا یک روش مطلقه و دیکتاتوری و دشمن حقوق اساسی بشریت می‌شمارم.

با تاسف از نشر دو مقاله، کاملاً کمونستی در پورتال ملی گواهی میدهم. یکی بقلم و نام مستعار (شباهنگ راد)، که وقت خود را با یادبودی از کمونست رزمنده، کیویایی (ارنستو چه گوارا) ضایع ساخته است. و در باره، او میگوید: " کمونستی که خود پای بمیدان گذاشت و به همراه دیگر یارانش، انقلابی را در گوشه‌ای از جهان سازمان داد... " بنگام مرگش " جهان مدافع حقوق انسانی پی برد که چه انسان کمونست و ارزش مندی را از دست داده است... " چه گوارا در کیویا، کاتگو و ویلیوی جنگهای چریکی را برآه انداخت تا بالاخره بقتل رسید... "

این کمونست نا جوان مرد و پر عقده، افغان که بنام مستعار صفحه: ننگین زندگی یک کمونست کیویایی را در پورتال باز کرده، نا جوان مردی با طریقه از کدام کمونست خلقی یا پرچمی افغان کدام صفحه، با افتخاری، جز سرافگندگی و خجالب، برای یادبود ندارد، ولی بالای زندگی ننگین یک کمونست کیویایی بنام " کمونست رزمنده "، افتخار میکند. پر عقده با طریقه بعد از ناکامی خجالت آور بساط کمونستی هنوز هم " انقلاب کمونستی " را بر خ مردم میکند. همان نوع انقلابیکه کمونستهای وطن فروش در افغانستان برای انداختند، خود و کمونزم هر دو را شرم‌اندند. و این عقده راه‌نوز هم بنام " انقلاب " تبارز میدهند. غافل از اینکه کمونزم در کیویا ناکام شده، چونکه هیچ‌نوع تغییر مثبتی در زندگی مردم کیویا وارد نتوانست و رژیم کاسترو اکنون بیک سلسله اقدامات در جهت سست ساختن قیزه‌های مطلقیت و اعطای آزادیهای ابتدایی ب مردم کیویا شروع کرده است.

مقاله، دیگری بقلم برهان عظیمی، شرح زندگی یک کمونست ترکی (ناظم حکمت) را بقلم کشیده و با افتخار و تبختر میگوید که حکمت " باور باصل آزادی، حرمت و ارزش انسانی داشت... حکمت از شاعر روسی بنام (مایاکوفسکی) تاثیر پذیرفت و در سن ۵۰ سالگی زادگاه و وطن خود ترکیه را ترک داد و بعد از اقامت

در چند کشور کمونستی بالاخره بماسکوپناهنده شد و بسن ۶۳ سالگی همانجا مردود دفن شد... ""

این کمونست افغان هنوز هم خود را بازی میدهد که میگوید حکمت "" باور باصل آزادی، حرمت و ارزش انسانی داشت ""، زیرا مردم افغانستان بعد از ۱۴ سال (۱۹۷۸-۱۹۹۲) زندگی رنجبار و مرگبار با رژیم کمونستی، قطعاً بازی نمیخورند و باور نمیتوانند که یک کمونست (باصل آزادی باور، و بارزش انسانی حرمت) داشته باشد!!! ترکیب مردم شریف، مسلمان، غیور و باناموس هستند. من نمیدانم (ناظم حکمت) چه چیزهایی از (مایاکوفسکی) یاد گرفته میتواندست که از فرهنگ غنی خود ترکیه یاد گرفته نمیتوانست. زندگی او در ترکیه بطوریکه تصویر شده، مملو از عقده ها و حرص و آز برای غصب قدرت در یک جامعه سنتی بوده که در آن ناکام مانده و بجهان کمونزم پناه برده است. آقای عظیمی مرگ و دفن حکمت را در ماسکو قابل افتخار جلوه میدهد - ماسکو جاییکه انسان کثانی مانند لینن و ستالین و چسکی ها و فسکی ها بدترین شیوه، تفکر، یعنی کمونیزم آدمخوار را بمردم تبلیغ و تحمیل کردند، و انسانها را "نانسان" ساختند. ازین مثالها مردم افغانستان آنچه را که "" درس عبرت "" میگویند، خوبتر می آموزند. ختم. داکتر سیدخلیل الله هاشمیان.